

Exploring Indicators of Successful Parenting of Adolescents among Iranian Families: A Qualitative Study

Masoud Asadi

*PhD Candidate in Family Counseling, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University (KHU), Tehran, Iran (Corresponding Author) masoudasadi_fc@yahoo.com

Yazdan Mansourian

Associate Professor, Dept. of Library and Information Studies, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University (KHU), Tehran, Iran

Ali Mohammad Nazary

Associate Professor, Dept. of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University (KHU), Tehran, Iran

Received: 02 February 2015

Accepted: 14 July 2015

ABSTRACT

Background & objective: In order to have effective parenting, which, in turn, results in children being happy, healthy and productive, it is necessary to design an effective indigenous pattern based on the Iranian culture. The aim of this study was to explore indicators of successful parenting of adolescents among Iranian families.

Methods: This applied study used qualitative grounded theory to gather its data. 13 cases of successful parents were selected using theoretical sampling. They were studied using in-depth interviews over a period of 6 months. After collecting the data, they were recorded and coded in terms of categories, and then they were classified. In analyzing the data, the original codes were identified and based on axial coding, categories of parental role were identified.

Results: In the context of the role of parents, appreciation, encouraging, sincerity, positive communication, navigation, responsibility, fairness, monitoring, control and modeling role of parents were identified as parenting indicators.

Conclusion: The findings of this study can be helpful for parents in the upbringing of healthy young adults. Family counselors and psychologists could also apply the results of this study for educating families for successful parenting.

Paper Type: Research Article.

Keywords: Parenting, Spouse, Family, Adolescence, Qualitative study, Iran.

► **Citation:** Asadi M, Mansourian Y, Nazary AM. Exploring indicators of successful parenting of adolescents among Iranian families: A qualitative study. *Iran J Health Educ Health Promot. Falls 2015;3(3): 219-231.*

تبیین شاخص‌های والدگری موفق دوره نوجوانی در نمونه‌هایی از خانواده‌های ایرانی: یک مطالعه کیفی

چکیده

زمینه و هدف: برای والدگری مؤثر که حاصل آن داشتن فرزندان شاد، سالم و مولد است، لازم است که الگوی بومی مؤثر و مبتنی بر فرهنگ ایران طراحی گردد. پژوهش حاضر با هدف تبیین شاخص‌های والدگری موفق دوره نوجوانی در نمونه‌هایی خانواده‌های ایرانی انجام شد.

مواد و روش‌ها: پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها کیفی، از نوع داده‌بنیاد بود. بدین منظور ۱۳ نفر از والدین نوجوانان سالم به روش نمونه‌گیری نظری و با استفاده از مصاحبه عمیق و اکتشافی در طول یک دوره شش‌ماهه مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها پس از جمع‌آوری، ثبت و کدگذاری، در قالب مقوله‌های اصلی، دسته‌بندی شدند. در تحلیل داده‌ها، کدهای اولیه شناسایی گردید و در کدگذاری محوری، مقوله‌های نقش والدینی مشخص شدند.

یافته‌ها: تحلیل داده‌های کیفی مشخص کرد که در مقوله نقش والدینی شاخص‌های قدردانی، دلگرم کردن، صمیمیت، ارتباط مثبت، هدایت، مسئولیت، عدالت، نظارت، کنترل و الگو بودن به‌عنوان شاخص‌های نقش والدینی در والدگری موفق نقش دارند.

نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر می‌تواند برای والدین در جهت تربیت نوجوان سالم مثمر ثمر باشد. همچنین مشاوران و روان‌شناسان خانواده می‌توانند از نتایج پژوهش حاضر به‌منظور آموزش والدگری موفق به خانواده‌ها استفاده نمایند.

نوع مقاله: مطالعه پژوهشی.

کلیدواژه‌ها: والدگری، زن و شوهر، خانواده‌ها، نوجوانان، مطالعه کیفی، ایران.

مسعود اسدی

* دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) masoudasadi_fc@yahoo.com

یزدان منصوریان

دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

علی محمد نظری

دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۲۳

◀ **استناد:** اسدی م، منصوریان ی، نظری ع م. تبیین شاخص‌های والدگری موفق دوره نوجوانی در نمونه‌هایی از خانواده‌های ایرانی: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت*. پاییز ۱۳۹۴، ۳(۳): ۲۱۹-۲۳۱.

نوجوانی دوره‌ای از ایجاد تغییرات جسمی، شناختی، اجتماعی-عاطفی، محیطی و یک دوره پویا و هیجانی، برای افراد است که شامل افزایش توانایی در تفکر، شروع بلوغ و تغییر در روابط با خانواده، دوستان، مدرسه و اجتماع، انتظارات همسالان، خانواده و جامعه، نقش‌های خانوادگی، مسئولیت‌ها، تلاش در جهت کسب نقش‌های عاطفی و اجتماعی جدید، مدیریت تکالیف زندگی بدون وابستگی بیش‌ازحد به افراد دیگر و ایجاد جهت‌گیری جدیدی برای آینده به‌عنوان بزرگسالان مستقل و مولد است (۱-۲). این عوامل شیوه‌ی تصمیم‌گیری نوجوانان در امور تحصیلی، شغلی و همچنین میزان سلامت آن‌ها در حیطه‌های فردی و اجتماعی را مشخص می‌نماید (۳).

والدین مسئولیت اصلی پرورش اخلاقی و عاطفی نوجوانان را بر عهده‌دارند و نقش مهم و بدون جایگزینی در تربیت اجتماعی و تأمین سلامت روانی آن‌ها ایفا می‌کنند، زیرا شخصیت نوجوانان در خانواده شکل می‌گیرد و سلامت آن‌ها به میزان زیادی تحت تأثیر تعامل نوجوان با والدینشان قرار دارد (۴). تأثیری که والدین بر فرزندان می‌گذارند، گاهی آشکار، کاملاً نامحسوس، مفید و نامناسب و مخرب است. اغلب تأثیرات نامحسوس والدین در افکار، باورها، رفتارها و احساسات، فرزندان تجلی می‌یابد (۵). این تأثیرات تحت عنوان والدگری^۱ قابل بررسی است.

والدگری می‌تواند معانی متفاوتی در بین افراد و فرهنگ‌های مختلف داشته باشد. به همین دلیل در ادبیات و پژوهش‌های مرتبط با والدگری، اصطلاحات و مفاهیم متعددی از قبیل سبک‌های فرزندپروری، فعالیت والدینی، فرایند والدینی و مراقبت والدینی، وجود دارد و تعاریف نیز در این زمینه مختلف‌اند (۶). فعالیت والدینی به رفتارهای خاص والدین که برای رشد همه‌جانبه فرزندان (برای مثال اقدام برای بهبود وضعیت تحصیلی با خرید کتاب و غیره) انجام می‌دهند، اطلاق می‌گردد (۷). فرایند والدینی به روشی که والدین بر نوجوانان نظارت می‌کنند، میزان کنترل

1. parenting

نوجوانان از سوی والدین و میزان ارتباط والدین و نوجوانان اشاره دارد (۸). مراقبت والدینی به نگرانی درباره تنظیم و نظارت بر رفتار و فعالیت‌های فرزندان از طرف والدین اطلاق می‌گردد (۹). اگرچه پیدا کردن تعریف برای والدگری مشکل است، اما یک توافق عمومی درباره نقش‌های متعددی که والدین در زندگی فرزندان بازی می‌کنند، وجود دارد. برای والدین هفت نقش فرض شده است: ۱) مراقبت‌کننده (مراقبت جسمی، رسیدگی به تغذیه و تر و خشک کردن)، ۲) منبع عاطفی بودن (موردپذیرش قرار دادن، عشق ورزیدن و رشد خودپنداره مثبت)، ۳) مربی بودن، ۴) منبع اقتصادی بودن (پرداخت هزینه‌های پزشکی، غذا، لباس و تحصیل)، ۵) پشتیبانی (محافظت از فرزندان در مقابل آسیب‌ها)، ۶) ارتقاءدهنده سلامت، ۷) انتقال‌دهنده آیین‌ها (۱۰). این آیین‌ها در کشورها و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. با توجه به فرهنگ کشور ایران به موارد دیگری از انتقال آیین‌ها می‌توان به آشنا کردن فرزندان با مراسم ملی-مذهبی (عید نوروز، اعیاد فطر، غدیر و قربان، تاسوا، عاشورا و غیره) اشاره کرد.

در تعریفی دیگر از والدگری به سیستمی از بازخوردهای والدین نسبت به فرزندان (۶)، مراقبت فیزیکی، حمایت عاطفی، آموزش و راهنمایی، محافظت از آسیب فرزندان از طرف بزرگسالان اشاره شده است (۷). در حداقل شکل خود، والدگری به پرورش و تربیت فرزندان اشاره دارد که البته این هدف مهم و اساسی یکی از اهداف متعدد والدگری است و از آن جمله می‌توان به رسیدن فرزندان به انواع موفقیت، خودکنترلی، خودمختاری و دستیابی به دیگر جنبه‌های مثبت روان‌شناختی اشاره کرد (۱۱).

کارهای اولیه در زمینه سبک‌های والدگری به بررسی ابعاد خاصی از والدگری پرداخته و قالب الگوهای محدود ارائه داده‌اند. این الگوهای مشخص‌شده عبارت‌اند از: ۱- پاسخ‌دهی و عدم پاسخ‌دهی، ۲- دموکرات یا مستبد، ۳- درگیری و عدم درگیری عاطفی، ۴- آزادی یا کنترل، ۵- پذیرش یا طرد، ۶- تسلط یا تسلیم، ۷- سخت‌گیری یا سهل‌گیری، ۸- مراقبت و همدلی در مقابل طرد و بی‌تفاوتی، ۹- پذیرش یا طرد، ۱۰- پاسخ‌دهی یا

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها کیفی، از نوع داده‌بنیاد^۱ است. طرح داده‌بنیاد وقتی مناسب است که هدف تدوین و یا تعدیل نظریه و تبیین فرایندی باشد که تعامل افراد را به‌طورکلی مشخص می‌کند (۱۲). تمامی خانواده‌های ساکن شهر قزوین که در زمان اجرای پژوهش فرزندی نوجوان ۱۴ تا ۱۸ سال داشتند و در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ در یکی از دبیرستان‌های این شهر مشغول به تحصیل بودند، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل دادند. از روش نمونه‌گیری نظری^۲ برای انتخاب نمونه استفاده شد؛ زیرا این نوع از نمونه‌گیری با روش داده‌بنیاد همراه است و در آن مشاهدات جدید برای کفایت تفاوت‌های مربوط در تحلیل انتخاب می‌شوند و این انتخاب نمونه تا مرحله به اشیاع رسیدن ادامه پیدا می‌کند. یعنی که جمع‌آوری اطلاعات از مشارکت‌کنندگان تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که هیچ داده‌ی تازه‌ای حاصل نشود (۱۳).

برای انتخاب گروه نمونه مراحل مختلفی انجام شد. در مرحله اول، برای شناسایی نوجوانان سالم از نظر روان‌شناختی از آزمون‌های بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۴) در مؤلفه‌های رضایت از خود، خانواده، دوستان، مدرسه و محیط زندگی، مقیاس چندبعدی رضایت از زندگی هیونبر (۱۵) در مؤلفه‌های روابط مثبت با دیگران، خوداستقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصی، هدفمندی و پذیرش خود، و مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ (۱۶) استفاده شد. بدین ترتیب، نوجوانانی که در آزمون‌های بهزیستی روان‌شناختی، رضایت از زندگی، عزت‌نفس، میزان رضایت والدین از آن‌ها و معدل پیشرفت تحصیلی نمره بالاتری را کسب کردند، به‌عنوان «نوجوانان سالم» شناخته شدند. سپس با والدین این دسته از نوجوانان که معیارهای ورود به مطالعه (۱) - داشتن حداقل دو فرزند و ۲- تمایل به مشارکت در پژوهش و توانایی انتقال تجارب و اطلاعات) را داشتند مصاحبه شد. قبل از مصاحبه، به مشارکت‌کنندگان در مورد رعایت اصول اخلاقی پژوهش

تقاضا شامل چهار سبک مقتدر، مستبد، آسان‌گیر و مسامحه‌کار و ۱۱- والدگری مثبت یا منفی. علاوه بر این الگوها، پژوهش‌ها نیز والدگری را در ابعاد مختلفی مشخص کرده‌اند: ۱- کیفیت رابطه والد- فرزند، ۲- مشارکت والدینی، ۳- کنترل والدینی، ۴- نظارت والدینی، ۵- پذیرش یا طرد والدینی، ۶- انتظارات و آرزوهای والدینی و ۷- مدیریت نحوه گذراندن فعالیت‌های فوق برنامه، مشخص کرده‌اند (۷).

الگوهای معرفی شده که در قالب بررسی‌های نظری و یافته‌های پژوهشی ارائه شده‌اند، در بافت‌های فرهنگی- اجتماعی متفاوت و خارج از فرهنگ ایرانی- اسلامی انجام شده است و ممکن است اثرات آن در هر بافتی یکسان نباشد. در نظری دیگر، اکثر پژوهش‌های انجام شده مرتبط با والدگری در کشور ایران، به تقلید صرف از الگوهای مذکور پرداخته‌اند و اغلب پژوهش‌ها با استفاده از شاخص‌ها و ابزارهای سنجش والدگری برگرفته از الگوهای مذکور انجام شده و در این زمینه متغیرهای بافتی حاصل از فرهنگ ایران مورد غفلت قرار گرفته است. فرهنگ کشور ایران به میزان زیادی تحت تأثیر آموزه‌های دین اسلام قرار دارد و در آموزش والدگری این مسئله مورد تأکید و توجه زیاد است و این در حالی است که در متون نظری و پژوهشی مرتبط با والدگری به این مسئله توجه نشده است.

برای والدگری مؤثر که حاصل آن داشتن فرزندان شاد، سالم و مولد است، ضرورت دارد که الگوی بومی مؤثر و مبتنی بر فرهنگ ایران طراحی گردد. طراحی این الگو می‌تواند ضمن بررسی دقیق‌تر والدگری موفق و روشن‌ساختن شاخص‌ها و عوامل مرتبط با والدگری موفق، نقطه شروعی برای پژوهشگران داخلی در جهت توجه به عوامل بافتی و فرهنگی در سنجش و ارائه الگوی والدگری موفق باشد. بنا بر تمهیدات یادشده، در این پژوهش تلاش بر آن است که با توجه به بافت فرهنگی کشور ایران و با گسترش الگوهای والدگری موجود و بر اساس نمونه‌هایی از خانواده‌های ایرانی، به پرسش: «والدگری موفق در بین خانواده‌های ایرانی چه شاخص‌هایی دارد؟»، پاسخ داده شود.

1. grounded theory
2. theoretical sampling

معنی که جمله‌ها، بندها و کل متن هر مصاحبه برای شناسایی کدهای اولیه بکار گرفته شدند. نحوه رسیدن به کدهای اولیه بدین‌صورت بود که هر یک از مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی متن آن‌ها، به‌صورت جمله به جمله موردبررسی قرار گرفت و سپس پیام اصلی یا مفهوم کلیدی که در هر یک از عبارات مستتر بود، استخراج و ثبت می‌شد. این کار برای هر بند و کل متن هر مصاحبه نیز انجام می‌شد.

در برخی از جمله‌ها، مصاحبه‌شوندگان از اصطلاحاتی استفاده می‌کردند که مستقیماً قابل‌استفاده به‌عنوان یک کد بود و در برخی از موارد، مفهومی مستتر در جمله‌ها، بندها و کل متن وجود داشت که با توجه به‌قصد و هدف مصاحبه‌شونده، مفهومی را به آن نسبت می‌داد و به‌عنوان یک کد اولیه در نظر گرفته می‌شد. برای مثال وقتی مصاحبه‌شونده‌ای می‌گفت: «وقتی می‌بینم پسر نمازش رو اول وقت می‌خونه، تشویقش می‌کنم»، مفهوم «تشویق» مستقیماً به‌عنوان یک کد قابل استنباط است. اما در جمله «... وقتی فرزندمون خونه نیست، با همسر صحبت می‌کنم و بهش می‌گم، وقتی من از بچمون می‌خوام که کمتر پای کامپیوتر بشینه، شما هم باید دنبال حرف منو بگیری...»، مفهوم هماهنگی و اتحاد با همسر، برای جمله مربوطه، انتخاب شد.

کدهای اولیه پس از هر مصاحبه پالایش گردید و با توجه به سنجیت و تجانس هر کد با سایر کدها، در ذیل یک مفهوم کلان‌تر قرار گرفته و این فرایند بارها تکرار شد تا پس از پالایش‌های مکرر، کدهای اولیه، که از نظر معنایی تشابه بیشتری با هم دارند، به زیرمقوله و زیرمقوله‌ها نیز هر یک بر اساس تجانس مفهومی، به‌عنوان مقوله، سازماندهی شدند. جهت روشن‌سازی، مقوله‌بندی و رفع تناقض‌های موجود در تفسیر، فرایند بازگشت مکرر به متون صورت گرفت.

جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت داده‌ها از نظارت همکاران متخصص استفاده شد و متن مصاحبه‌ها برای بررسی دقیق‌تر کدگذاری‌ها به همکاران پژوهش و یک متخصص پژوهش کیفی ارائه شد. جهت افزایش قابلیت تعمیم به موقعیت‌های دیگر،

شامل جلب رضایت آگاهانه، اختیار انصراف از پژوهش، اجازه گرفتن برای ضبط مصاحبه، محرمانه‌ماندن اطلاعات ارائه‌شده در مصاحبه و اختیار انصراف از پاسخ به برخی از سؤالات توضیحات لازم داده شد. مصاحبه‌ها معمولاً بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه در یک دوره زمانی ۶ ماهه از مهر ۱۳۹۳ تا اسفند ۱۳۹۳ به طول انجامید. ابتدا ۲ مصاحبه به‌صورت آزمایشی و سپس ۱۳ مصاحبه تا زمان رسیدن به اشباع داده‌ها انجام شد.

به دلیل ماهیت اکتشافی پژوهش، از روش مصاحبه بدون ساخت و عمیق فردی استفاده شد. مصاحبه‌ها با یک سؤال کلی در مورد روش‌های فرزندپروری والدین شروع می‌شد. سپس با تکیه بر سؤالاتی که در تعامل مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده پدید می‌آمد، سؤالات ادامه می‌یافت. به‌طور ثابت، اولین سؤال این بود که «شما تاکنون برای تربیت فرزندتان چه کارهایی کرده‌اید؟» در ادامه، سؤال بعدی مبتنی بر پاسخ‌های مشارکت‌کننده به سؤال اول پرسیده می‌شد. زمانی که مشارکت‌کننده از موضوع اصلی فاصله می‌گرفت، با طرح جمله‌های هدایت‌کننده سعی می‌شد به موضوع اصلی هدایت شود. جهت کسب اطلاعات بیشتر و روشن‌سازی مطالب مطرح‌شده، در طول مصاحبه از سؤالات کاوشی مانند «می‌توانید در این باره بیشتر توضیح دهید؟»، یا «می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان کنید؟» یا «می‌توانید مثالی بزنید؟» استفاده شد.

برای تحلیل داده‌ها از روش کوربین و اشتراس (۱۷) استفاده شد. بدین شکل که مصاحبه‌های ضبط‌شده، بلافاصله، کلمه به کلمه دست‌نویس و تایپ می‌شد. متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌شدن روی برگه، چندین بار مورد مطالعه قرار می‌گرفت تا شناخت کلی از آن به دست‌آید. در ادامه، برای استخراج مضامین با متخصصین و اساتید به تبادل نظر پرداخته شد.

در روش داده‌بنیاد، داده‌ها به سه شیوه موردبررسی قرار می‌گیرند: ۱- جمله به‌عنوان واحد تحلیل، ۲- بند (پاراگراف) به‌عنوان واحد تحلیل و ۳- کل متن به‌عنوان واحد تحلیل. در پژوهش حاضر از تلفیق سه روش مذکور استفاده شد. بدین

یافته‌ها

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، دامنه سنی مشارکت‌کنندگان ۳۸ تا ۶۰ بود. همچنین آن‌ها دارای تحصیلات ابتدایی تا کارشناسی‌ارشد بودند. مشاغل آن‌ها نیز شامل کارمند، دبیر، فروشنده، خیاط، بازنشسته و کارگر بود. قومیت آن‌ها نیز فارس، ترک و تات بود. دامنه سنی همسران مشارکت‌کنندگان ۳۸ تا ۵۲ بود. تحصیلات همسران آن‌ها، ابتدایی تا کارشناسی بود؛ قومیت آنان نیز فارس، ترک و تات بود. شغل همسران نیز فروشنده، دبیر، راننده، تراشکار، عینک‌ساز، بازنشسته و خانه‌دار بود.

سعی شد که تا حد امکان از والدینی متعلق به سطوح مختلف اجتماعی - اقتصادی شهر قزوین برای شرکت در پژوهش استفاده شود. برای تحلیل داده‌ها از روش کوربین و اشتراس (۱۷) استفاده شد. متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌شدن، چندین بار مورد مطالعه قرار گرفت تا شناخت کلی از آن حاصل شود. در ادامه، پژوهشگران برای استخراج مضامین به مشارکت و تبادل نظر پرداختند. با تداوم مصاحبه‌ها، مضمون قبلی روشن‌تر و تکامل می‌یافت و گاه مضمون جدید شکل می‌گرفت. جهت روشن‌سازی، مقوله‌بندی و رفع تناقض‌های موجود در تفسیر، فرایند بازگشت مکرر به متون صورت گرفت.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی افراد مشارکت‌کننده در پژوهش

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	تعداد فرزند		قومیت	سن	تحصیلات	شغل	همسر مصاحبه‌شونده		
					پسر	دختر					قومیت	شغل	میزان درآمد خانواده (در هر ماه (میلیون)
۱	زن	۴۴	کارشناسی	خیاط	۱	۱	فارس	۴۸	راهنمایی	فروشنده	فارس	۲/۵	
۲	زن	۴۵	دیپلم	خانه‌دار	-	۳	فارس	۵۳	دیپلم	تراشکار	فارس	۲	
۳	زن	۴۵	کارشناسی	دبیر	۱	۱	فارس	۴۵	دیپلم	راننده	فارس	۲/۵	
۴	زن	۴۶	دیپلم	خانه‌دار	۱	۱	ترک	۴۸	کارشناسی	دبیر	ترک	۱/۵	
۵	زن	۴۹	دیپلم	خانه‌دار	۱	۱	فارس	۵۲	دیپلم	عینک‌ساز	فارس	۱/۸	
۶	زن	۵۰	کاردانی	دبیر	-	۲	فارس	۵۰	کارشناسی	بازنشسته	فارس	۲/۵	
۷	مرد	۳۸	کارشناسی	دبیر	-	۲	ترک	۳۸	ابتدایی	خانه‌دار	ترک	۱/۵	
۸	مرد	۴۴	کارشناسی	کارمند	-	۲	تات	۴۰	کارشناسی	دبیر	فارس	۲/۵	
۹	مرد	۴۶	ابتدایی	فروشنده	-	۲	ترک	۴۳	دیپلم	خانه‌دار	فارس	۲	
۱۰	مرد	۴۷	کارشناسی	کارمند	۱	۱	فارس	۴۷	دیپلم	خانه‌دار	فارس	۲	
۱۱	مرد	۵۲	کارشناسی‌ارشد	بازنشسته	۱	۲	تات	۴۶	ابتدایی	خانه‌دار	تات	۱/۵	
۱۲	مرد	۵۴	سیکل	فروشنده	۱	۱	فارس	۴۸	سیکل	خانه‌دار	فارس	۲	
۱۳	مرد	۶۰	کاردانی	بازنشسته	-	۳	ترک	۵۰	دیپلم	خانه‌دار	ترک	۱/۵	

ارتباط مثبت، هدایت، مسئولیت، عدالت، نظارت، کنترل، مراقبت‌کننده و رشددهنده بودن و الگو بودن شناسایی شدند. در ادامه هر یک از مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها شرح داده شده‌اند.

تحلیل و مقوله‌بندی توصیف‌های شرکت‌کنندگان در جدول ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود برای نقش والدگری ۱۱ شاخص شامل قدردانی، دلگرم‌کردن، صمیمیت،

قرار گرفتند.

یکی از مشارکت‌کنندگان در این رابطه بیان داشت: وقتی بخوام رفتار خوب بچه‌ها را تکرار بشه، اون‌ها رو تشویق می‌کنم. مثلاً یه روز دیدم پسر من خونه رو کلاً مرتب کرده، ازش تشکر کردم، بوسیدمش و بهش گفتم من واقعاً لذت بردم، همه خستگیم از بین رفت. عادتش ندادم که دم به دقیقه براش جایزه بخرم. همین که احساس می‌کنه من خوش‌حالم خوبه، کار خوبش رو بیان می‌کنم. مثلاً اگر دخترم یا دامادم زنگ بزنه یا به خونمون بیان، بهشون می‌گم. یا وقتی که پدرش بیاد خونه کارهای خوب پسر من رو، جلوی پسر من بهش می‌گم (مادر، ۴۷ ساله).

مشارکت‌کننده دیگری بیان داشت:

وقتی از فرزندم رفتار خوبی ببینم، با تشویق زبانی و یا درست کردن غذایی که دوست داره، ازش تشکر می‌کنم (مادر، ۴۵ ساله).

مشارکت‌کننده دیگری قدردانی کردن از فرزندش را این‌گونه توصیف کرد:

اگه رفتار خوبی از فرزندم ببینم، ازش تشکر می‌کنم یا جلوی دیگران تعریف می‌کنم و می‌دونم که خیلی تأثیر داره؛ مثلاً جلوی خاله‌اش یا جلوی عموش می‌گم پسر من این کار رو کرده، مثلاً پسر من خواهرش رو بُرد باشگاه و ... (مادر، ۴۵ ساله).

در مورد تحسین کردن فرزند، یکی از والدین این‌گونه بیان داشت:

اگه کارشو خوب انجام بده، بهش آفرین می‌گم و جلوی دیگران تعریف می‌کنم. چون جلوی دیگران تعریف کردن باعث کارهای بهتری می‌شه» (مادر، ۴۶ ساله).

یکی از مشارکت‌کنندگان نیز در مورد احترام گذاشتن به فرزند عنوان کرد:

من و همسرم به فرزندمون احترام می‌ذاریم، همون طور هم ازشون احترام می‌بینم (مادر، ۴۹ ساله).

۲. دلگرم کردن: در مصاحبه‌های انجام‌شده با والدین، زیرمقوله‌های پاسخ‌دهی به علایق و نیازهای فرزند، اهمیت دادن به مشکلات فرزند، همراهی با فرزند، اهمیت دادن به استقلال‌طلبی، درک شرایط سنی فرزند، اعتماد به فرزند، در مقوله دلگرم کردن قرار

گرفتند. یکی از والدین در این رابطه بیان داشت:

پسر بزرگم به خلبانی علاقه داره. چندین ساله که به بدنش، به برنامه‌هاش می‌رسه. اولین هدفش اینه که خلبان بشه، دومین

جدول ۲. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های والدگری موفق

مقوله	زیرمقوله
۱. قدردانی	تشویق، تحسین، تشکر، مهربانی و محبت، احترام
۲. دلگرم کردن	اهمیت دادن به علایق فرزند، اهمیت دادن به نیازها، اهمیت دادن به مشکلات، همراهی با فرزند، اهمیت دادن به استقلال‌طلبی، درک شرایط سنی فرزند، اعتماد به فرزند
۳. صمیمیت	برقراری رابطه صمیمانه، ابراز احساسات به فرزند، نوازش، پذیرش احساسات، بازی و سرگرمی و شوخی
۴. ارتباط مثبت	ارتباط هم‌سطح، ارتباط باز، گوش دادن به حرف‌های فرزند، مذاکره و تبادل‌نظر، همدلی با فرزند، ارائه بازخوردهای مثبت به فرزند، صحبت با ملایمت و نرمی، انعطاف‌پذیری در تعامل با فرزند، حل مسئله، تعامل سازنده با (دوره) بلوغ
۵. هدایت	راهمندی و آگاهی دادن، آموزش مستقیم، آموزش غیرمستقیم، بالابردن وسعت دید فرزند، بالابردن قدرت تشخیص فرزند، سوق دادن فرزند به فعالیت‌های مثبت و سازنده، داشتن موضع ارشادی در قبال ارتباط فرزند با دوستان و همسالان، ارائه شاخص‌های عملکردی به فرزند، آموزش خودنظم‌دهی
۶. مسئولیت	داشتن رفتار مسئولانه نسبت به فرزند، اهمیت دادن به مسئولیت‌پذیری فرزند، مشارکت دادن فرزند در کارهای داخل و خارج از منزل، داشتن مراقبت‌های همه‌جانبه، آینده‌نگری برای فرزند، درونی کردن عادات رفتاری مناسب در فرزند، انتظارآفرینی برای فرزند، شناخت خصوصیات فرزند، آشنا کردن فرزند با فضای کسب‌وکار
۷. عدالت	پرهیز از تبعیض رفتاری و ابزاری در بین فرزندان، رفتار عادلانه، مساوات‌طلبی در بین فرزندان، توجه به تفاوت‌های فرزندان
۸. نظارت	نظارت مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد فرزند، شناخت دوستان فرزند، نظارت بر ارتباط فرزند با دوستان و همسالان
۹. کنترل	تعیین قواعد رفتاری روشن، پیگیری قواعد رفتاری تعیین‌شده، محروم‌سازی هدفمند و مؤثر، ارزیابی فرزند، تذکر دادن و گوشزد کردن، قاطعیت در اجرای قواعد
۱۰. مراقبت‌کننده و رشد‌دهنده بودن	مراقبت و رشد مذهبی، اجتماعی، شخصی، اخلاقی و تحصیلی، تقویت حس خودانگیزی فرزند
۱۱. الگو بودن	توجه به یادگیری مشاهده‌ای، تلاش برای الگو شدن برای فرزند، الگودهی دینی، تأکید بر احترام به پدر و مادر، تأکید بر احترام بر بزرگ‌ترها، عمل‌گرایی

۱. قدردانی: انجام تشویق، تحسین، تشکر، مهربانی، محبت و احترام به فرزند از جمله زیرمقوله‌هایی بوده‌اند که مشارکت‌کنندگان در طی مصاحبه‌ها به آن‌ها اشاره کرده‌اند و در مقوله قدردانی

هدفش جزء مهندسان انرژی هسته‌ای بشه و در این راه هر چی از من خواسته، در حدّ توان خودم براش انجام دادم. اونم دیده که من این کار رو انجام می‌دم (پدر ۳۸ ساله).

۳. صمیمیت: برقراری رابطه صمیمانه، ابزار احساسات به فرزند، نوازش، پذیرش احساسات، بازی و سرگرمی و شوخی با فرزند از جمله زیرمقوله‌هایی بوده‌اند که مشارکت‌کنندگان در طی مصاحبه‌ها به آن‌ها اشاره کرده‌اند و در مقوله صمیمیت قرار گرفته‌اند.

یکی از والدین در این رابطه بیان داشت:

هیچ موقع فاصله بین ما نبوده. بعضی پدر و مادرها با بچه‌ها اونقدر جدی رفتار می‌کنند یا اینکه دوست ندارن به بچه روی خوشی نشون بدن، و به اصطلاح عامیانه میگن بچه‌ها پرو می‌شن. ولی من این‌طور نیستم. اگه با فرزندم خشن باشم یا جدی و خشک باشم، هیچ‌وقت نمی‌یاد با من راحت حرف‌هاشو بزنه (مادر، ۴۹ ساله).

یکی از مادران بیان کرد:

سعی کردم با بچه‌هام دوست باشم؛ یعنی از اول جویای حالشون شدم. بعضی‌ها هستند که نمی‌پرسند مدرسه چه خبر؟ دوستت کیه؟ یا چی کردی امروز؟ خب خیلی اثر داره که من درسشو می‌پرسم. حتی کتاباشو باز می‌کنم، امروز چی داشتی؟ این معلم چی گفت؟ اون معلم چی گفت؟ خب، این از بچگی در ذهن بچه مونده. الان که دبیرستانه، شاید من با درساش کار ندارم، ولی خودش ناخودآگاه میاد و میگه: امروز معلم‌مون این‌جوری گفت. امروز این کار را کردیم. من فقط فکر می‌کنم با بچه‌هام دوست بودم و بیشتر باهاشون در ارتباط بودم، توی خیلی از کاراشون همراهی شون کردم (مادر، ۴۵ ساله).

یکی از مادران در زمینه بازی کردن به‌عنوان یکی از

زیرمقوله‌های صمیمیت بیان داشت:

از اول با بازی‌های کودکانه‌ای که باهاشون داشتم، باعث شد جذب خانواده بشن و فاصله‌ای بین ما نیوفته. الان هم بارها شده با پسر بدمینتون بازی می‌کنیم و یا پدرشون هم همین‌طور و در حین بازی هم انرژی تخلیه می‌کنه و هم متوجه می‌شه خونه و خانواده جای عشق و محبت هستش (مادر، ۴۶ ساله).

یکی از مشارکت‌کنندگان نیز در مورد ابزار احساسات و

برقراری رابطه صمیمانه با فرزندش اظهار داشت:

دوست داشتم رو با محبت کردن، کنارش نشستن، دستی بر سرش کشیدن، به بچم نشون می‌دم (مادر، ۵۰ ساله).

۴. ارتباط مثبت: برقراری ارتباط هم‌سطح، ارتباط باز، گوش دادن به حرف‌های فرزند، مذاکره و تبادل نظر، همدلی با فرزند، ارائه بازخوردهای مثبت به فرزند، صحبت با ملایمت و نرمی، انعطاف‌پذیری در تعامل با فرزند، حل مسئله، احترام متقابل فرزند-والد و تعامل سازنده با بلوغ، در پژوهش حاضر به‌عنوان زیرمقوله‌های ارتباط مثبت والدین با فرزندان در نقش والدینی شناسایی شدند.

یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره اظهار داشت:

معمولاً در مورد هر موضوعی شده که باهاش صحبت کردیم. می‌گم این جای حرفت اشکالی داشته که سعی کردم با منطق باهاش صحبت کنم. هم فکرش به کار بیفته و هم خودش فکر کنه و دنبال راهکار باشه. بیشتر سعی می‌کنم براش سؤال ایجاد کنم که خودش بره دنبالش (پدر، ۵۲ ساله).

مادری درباره برقراری ارتباط هم‌سطح با فرزندش در قالب

مثالی بیان داشت:

... مثلاً تو جمعی صحبتی شده که پسرم پرسیده ماما این یعنی چی؟ من در حدّ اون چیزی که خودش متوجه بشه براش توضیح دادم. باز براش ذکر کردم که عجله نکن شما در آینده وارد جنبه‌های دیگه‌ای از زندگی می‌شی و با مسائلی رو به رو می‌شی، در همین حد بدون که زندگی فقط محدود به جای که الان هستی نیست (مادر، ۴۴ ساله).

مشارکت‌کننده‌ای درباره صحبت و تبادل نظر با فرزندش بیان

داشت:

... یعنی اینکه وقتی من حرف دلمو با اونا بزم، اونها هم این کار رو انجام می‌دن؛ نه هر حرفی، نه هر چیزی. مثلاً هر کاری رو که می‌خوان انجام بدن، هر کاری که لازمه انجام بدن، با من مشورت می‌کنن (مرد ۵۴ ساله).

مشارکت‌کننده‌ای درباره تعامل سازنده با بلوغ فرزندش بیان

کرد:

وقتی دخترم به سن بلوغ رسید، بهش تبریک گفتم. براش جشن گرفتیم و بهش هدیه دادیم و من نکات لازم رو در مورد بلوغ که باید دخترم می‌دونست رو براش توضیح دادم و هر وقت نیاز بود در این مورد باهاش صحبت می‌کردم (مرد، ۵۲ ساله).

۵. هدایت: راهنمایی و آگاهی دادن، آموزش مستقیم و غیرمستقیم،

بالابردن وسعت دید و قدرت تشخیص فرزند، سوق دادن فرزند به

فرزند در کارها بیان کرد:

مامانش می‌گه امروز جمعه بلند شو پسر، خونه رو جارو بز. یا می‌گم باشو برو ماشینو بشور. می‌گم شما باید یاد بگیرید تمیز کردن، ماشین شستن؛ از الان باید این‌جور کارها را یاد بگیرن و انجام بدن؛ چون آینده هم باید این کارهارو انجام بدن. همین جور چیزها رو راهنمایی می‌کنم (پدر، ۴۶ ساله).

مادری بیان داشت:

... مثلاً وقتی مهمون داریم بر فرض که ۵° تا ۶° درصد کارهام رو پسر انجام می‌ده، الان چهار، پنج ساله که در و دیوار رو پسر با بخارشور، می‌شوره و کارهای سنگین رو اصلاً اجازه نمی‌ده که من انجام بدم (مادر، ۴۵ ساله).

مشارکت‌کننده‌ای درباره آشنا کردن فرزند با فضای

کسب‌وکار بیان داشت:

پسر تازگی‌ها گفت می‌خوام فکر جیب بابا رو کنم، برم نقاشی ساختمان. من هم گفتم وسایلیش رو مهیا می‌کنم، برو اتاقت رو رنگ کن. اگر قابل قبول بود، دستمزد هم بهت می‌دم و می‌تونم بری کار کنی (مادر، ۴۶ ساله).

مشارکت‌کننده دیگری در مورد آینده‌نگری اشاره کرد:

فقط آینده رو به آن‌ها یادآوری می‌کنم و می‌گم باید به فکر آینده‌ات باشی. سال دیگه کنکور داری، خودت باید تلاش کنی. من فقط می‌تونم زمینه رو برات فراهم کنم (مادر، ۵۰ ساله).

پدری نیز در مورد مقوله انتظارآفرینی بیان داشت:

من ایده‌هامو به بچه‌هام اعلام می‌کنم. مثلاً بهشون می‌گم که شما رفته‌گر هم شدی، ایراد نداره؛ فقط انسان باش. دکتر باشی ولی انسان نباشی، برای من ارزش نداره (مرد، ۳۸ ساله).

۷. عدالت: زیرمقوله‌های پرهیز از تبعیض رفتاری و ابزاری در

بین فرزندان، داشتن رفتار عادلانه، مساوات‌طلبی در بین فرزندان و توجه به تفاوت‌های فردی بین فرزندان ازجمله نقش‌های والدین بودند که در مقوله عدالت قرار گرفتند.

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه بیان داشت:

بین پسر و دختر هیچ فرقی نمی‌ذارم. همیشه انگشتای دست و پا رو مثال می‌زنم. می‌گم اگر شما بگید کدوم انگشتتون رو بیشتر دوست دارید، منم می‌گم شماها برای من فرق می‌کنید (مادر، ۴۶ ساله).

مادری، نداشتن تبعیض با فرزندان را این‌گونه توصیف کرد:

... رفتارم با همشون یه جور بوده. هر کاری برای هر کدومشون انجام بدم، برای اون یکی هم انجام می‌دم. سعی می‌کنم رفتارم

فعالیت‌های مثبت و سازنده، داشتن موضع ارشادی در قبال ارتباط فرزند با دوستان و همسالان، ارائه شاخص‌های عملکردی به فرزند و آموزش خود نظم دهی، در پژوهش حاضر به‌عنوان زیرمقوله‌های هدایت فرزندان از طرف والدین شناسایی شدند.

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه بیان داشت:

ما داخل خونه راهنمایی می‌کنیم که دنبال کار خلاف نرود، با رفیق‌های بد رابطه نداشته باشه. توصیه ما همینه که درسش را بخونه و با بچه‌های خیابانی نره و مراقب خودش باشه (پدر، ۴۶ ساله).

مشارکت‌کننده دیگری اظهار کرد:

مثلاً همین پسر که می‌رفت دبیرستان، بهش گفتم محیط دبیرستان فرق می‌کنه. باید حواست به دوستانی که انتخاب می‌کنی باشه. به هر حال ظاهر بعضی چیزها را نشون می‌ده و همین کارها را با همه، بچه‌هام وقتی مقاطع تحصیلی‌شون عوض می‌شد، کردم. خب بچه، به احساس دیگه‌ای پیدا می‌کنه به مادر، و با اون مادری که اصلاً به بچه‌اش توجه نداره، خیلی تفاوت داره؛ ولی همیشه باهاشون صحبت کردم در مورد دوست و ارتباطشون با اون‌ها (زن، ۴۵ ساله).

۶. مسئولیت: داشتن رفتار مسئولانه نسبت به فرزند، اهمیت دادن

به مسئولیت‌پذیری فرزند، مشارکت دادن فرزند در کارهای داخل و خارج از منزل، داشتن مراقبت‌های همه‌جانبه، آینده‌نگری برای فرزند، درونی کردن عادات رفتاری مناسب در فرزند، اهمیت دادن به تأثیر همسالان بر فرزند، برنامه ریزی برای گذراندن بهینه اوقات فراغت فرزند، انتظارآفرینی برای فرزند، انتقال آیین‌ها و سنت‌ها به فرزند، شناخت خصوصیات فرزند و آشنا کردن فرزند با فضای کسب‌وکار ازجمله زیرمقوله‌هایی بودند که مشارکت‌کنندگان در طی مصاحبه‌ها به آن‌ها اشاره کرده‌اند و در مقوله مسئولیت والدینی قرار گرفته‌اند.

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه اشاره کرد:

برنامه نظافت خونه هست که هر کسی باید اتاق خودشو تمیز کنه. اینم براشون جا افتاده که ماهی یک بار اتاق نظافت کامل بشه به طور زیر و رو؛ حتی تغییرات دکوراسیون. اینم برای پسر جا افتاده که اگر طول هفته درسش کم باشه، کل اتاقو می‌ریزه بیرون و تمیز می‌کنه. نظافت روزمره اتاق خودشون هم با خودشونه (مادر، ۴۹ ساله).

پدری در مورد پرورش مسئولیت‌پذیری و مشارکت دادن

به جور باشه و هر کاری کردم، بینشون مساوات باشه. مثلاً هر سه تاشونو مدرسه معمولی گذاشتم. این طوری نبوده که یکی غیرانتفاعی باشه و یکی دولتی و یا اینکه اگه با یکی از اون‌ها خوب بودم، با بقیه اون‌ها هم خوب بودم؛ این‌طور نبوده که حتی توی محبت کردنم هم فرق بذارم. اگر دست نوازشی کشیدم سر یکی از اون‌ها، برای بقیه هم کشیدم یا اگر میوه آوردم برای یکی شون برای بقیه هم بردم (مادر ۴۵ ساله).

مشارکت‌کننده دیگری بیان کرد:

«هیچ وقت بین دو نفر فرق نذاشتم، با این که از بین یه دختر و یه پسر، معمولاً دختر خریدش بیشتر، خواسته‌هاش بیشتر، ولی کاری نکردم که این احساس در پسر به وجود بیاد که بگه مامان و بابا بیشتر برای خواهرم خرید می‌کنن و یا اونو بیشتر مورد توجه قرار می‌دن» (مادر ۴۹ ساله).

پدری تجربه خودش را از مساوات‌طلبی با فرزندان این‌گونه توصیف کرد:

سه تا پسرهام هم توی جایگاه خودشون بودن؛ همون اندازه که برای بزرگه انجام دادم برای کوچیکه هم انجام دادم. مثلاً اگه امکاناتی رو برای تحصیل و ورزش فراهم کردم، برای همشون به یک اندازه بوده، این‌طور نبوده که بینشون فرق بذارم» (پدر، ۶۰ ساله).

مادری در داشتن رفتار عادلانه و مساوات‌طلبی بین فرزندانش

عنوان کرد:

«... عدالت همیشه اون چیزی نیست که برایشون به اندازه بخریم. حتی در کلام و نگاه هم بوده و در این مورد هم هیچ وقت فرقی بین دو تاشون نمی‌دارم. بر فرض مثلاً اگر یه بار اونو بوسیدیم، یه بارهم اینو بوسیدیم؛ حتی نگاه کردن. اگه یه بار به اون نگاه کردم، یه بار هم به اون یک نگاه کردم؛ اگر یه بار به اون جان گفتم یه بار هم به این یکی گفتم. همیشه عدالت در کلام بوده، تو نگاه بوده، تو خرید کردن برایشون بوده (مادر، ۴۵ ساله).

۸. کنترل: تعیین قواعد رفتاری روشن، پیگیری قواعد رفتاری

تعیین‌شده، محروم‌سازی هدفمند و مؤثر، ارزیابی فرزند، تذکر دادن و گوشزد کردن، قاطعیت در اجرای قواعد، در پژوهش حاضر به‌عنوان زیرمقوله‌های کنترل والدینی شناسایی شدند.

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه بیان داشت:

پسر من میره کلاس زبان از ۴:۱۵ تا ۸ که ۲:۰۰ تا ۸ باید خونه باشه. امکان داره ۳:۰۰ تا ۸ بیاد و ده دقیقه دیرکنه. باید علت اون ده دقیقه دیر اومدن رو به من بگه. یا مثلاً تابستون که میره برای کار، گاهی وقت‌ها ساعت ۳ بیاد، می‌گم اینکه ساعت ۳ می‌ای

برای من مسئله نیست، فقط بدونم تو کجا هستی، باید به من اطلاع بدی، باید زنگ بزنی و به من بگی (مادر، ۴۹ ساله).

پدری، نمونه‌ای از تعیین قواعد و نحوه پیگیری قانون

تعیین‌شده را این‌گونه توصیف کرد:

کنترل می‌کنم که کاری که از شما خواستم رو انجام داده یا نه؛ از شما خواستم تخلیه زباله رو ایشان انجام بده. بهش گفتم باید هر شب قبل از خواب انجام بده، شاید من از ایشان زودتر بخوابم صبح که پا می‌شم کنترل می‌کنم که ببینم انجام شده یا نه (پدر، ۴۷ ساله).

«کنترل می‌کنم که کاری که از شما خواستم رو انجام داده یا

نه؛ از شما خواستم تخلیه زباله رو ایشان انجام بده، بهش گفتم باید هر شب قبل از خواب انجام بده، شاید من از ایشان زودتر بخوابم صبح که پا می‌شم کنترل می‌کنم که ببینم انجام شده یا نه» (پدر، ۴۷ ساله).

مشارکت‌کننده‌ای قاطعیت در اجرای قواعد تعیین‌شده را در

قالب مثالی بدین شکل توصیف کرد:

...مثلاً چند بار از من خواسته با دوستاش برن استخر ساعت ۱۰ تا ۱۲ شب، من نذاشتم و گفتم الان دیروقته، وقت استخر نیست یک روز دیگه برو، قرار بذارید با بچه‌ها برید؛ برایش توضیح دادم که هوا سرده این وقت شب با کی بر می‌گردد، این وقت خوب نیست، یه وقت دیگه برو برایش توضیح می‌دم این وقت خوب نیست، امروز نرو، یه روز دیگه برید. با دلیل و منطق قانع کردم که به این دلیل موافق نیستم که بروید همین‌طوری نگفتم که نرو یا برو سعی کردم با دلیل بهش بپذیرم» (پدر، ۴۷ ساله).

مشارکت‌کننده‌ای نیز در مورد تعیین قواعد برای فرزند بیان

داشت:

باید کارهای بیرون از خونه رو انجام بده، وظیفه تخلیه زباله را باید انجام بده. بهش گفتم اگر روز تعطیل هست، نون نیاز هست یا خرید بیرون هست. شما باید انجام بدی ... (پدر، ۴۶ ساله).

۹. نظارت: نظارت مستقیم و نظارت غیرمستقیم بر عملکرد

فرزند، شناخت دوستان فرزند و نظارت بر ارتباط فرزند با دوستان و همسالان، در پژوهش حاضر به‌عنوان زیرمقوله‌های نظارت والدینی شناسایی شدند.

پدری در رابطه با نظارت بر رفتار فرزندش بیان داشت:

کنی، جاهای دیگه مصرف نکنی (پدر، ۴۷ ساله).

مشارکت‌کننده دیگری عنوان کرد:

پسرم یه روز اومد از من سؤال کرد و گفت جواب این سؤال را می‌دونی. معلم از ما خواسته. گفتم: من بلد نیستم؛ خودت باید بری تحقیق کنی و به جواب برسی. می‌خواستم امتحانش کنم. یه روز بلند می‌شه میره پیش یک روحانی، سؤال می‌کنه و جواب هم می‌گیره. بهم گفت بابا فکر کردی من جواب رو پیدا نمی‌کنم، گفتم چی کار کردی. گفت: رفتم پیش یه روحانی و جواب سؤالم رو ازش گرفتم. گفتم آفرین من همین رو می‌خواستم، و این نکته برام خیلی اهمیت داشت (مرد، ۳۸ ساله).

۱۱. الگو بودن: توجه به یادگیری مشاهده‌ای، تلاش برای الگو شدن برای فرزند، الگودهی دینی، تأکید بر احترام به پدر و مادر، تأکید بر احترام بر بزرگ‌ترها و عملگرایی در پژوهش حاضر به‌عنوان زیرمقوله‌های نقش الگو بودن والدین برای فرزندان شناسایی شدند.

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه بیان داشت:

باید خودم تربیت شده باشم که بتونم بچم رو تربیت کنم. مثلاً دروغ نگم، بعد به پسرم بگم دروغ نگو. و یا خودم نماز سر وقت بخوانم، بعد به اون بگم بخوان. توی رفتار خودم با دیگران، احترام به بزرگ‌تر و دیگران، بدو ورود به کسی سلام دادن، روبرو شدن با دیگران با سلام باشه؛ سعی کردم خودم رعایت کنم و به ایشان هم انتقال بدم (پدر، ۴۷ ساله).

در مثالی دیگر مشارکت‌کننده عنوان کرد:

من تو همه این کارها به بچه هام گفتم که شما ملاکتان دیگران نباشد، ملاکتان دین باشد. مثلاً دین گفته که دروغ نگیرد. به من گفتند که دروغ نگو، ممکنه که دروغ بگم، منو ملاک قرار نده. ممکنه من اشتباه کنم. شما ملاکتان دینتان باشد. افراد نباشد، ولی خوبی‌ها را از افراد یاد بگیرید. هر کسی یه خوبی‌هایی داره به بدی‌هایی، خوبی‌هاش را یاد بگیرید، ولی مواظب باشید که بدی‌هاش در شما نباشد (پدر، ۴۷ ساله).

مشارکت‌کننده دیگری اشاره کرد:

از لحاظ اخلاقی که می‌گم، شاید من خودم اخلاقم روی اونها اثر گذاشته. چون صبورم، سعی کردم همیشه فکرهای مثبت داشته باشم و همینو هم انتقال بدم به بچه‌هام و بهشون می‌گم منفی فکر نکنید. هر چیزی رو که مثبت فکر کنید، روتون بیشتر اثر می‌ذاره (پدر، ۴۴ ساله).

مشارکت‌کننده دیگری درباره عمل‌گرایی عنوان کرد:

احساسم بر این است که کاری در مخاطب یا به هر حال اموری در مخاطب تحویل گیرنده است که خود شخص مخاطب اون رو انجام بده و عمل کنه، من اونای که به بچه‌هام

کامپیوتر را جایی گذاشتم که در معرض دید عموم است. مثلاً در اتاق پذیرایی گذاشتم که همه رفت و آمد دارند. دائم نمی‌تونه جایی بره که مناسب نباشه. طوری که صفحه کامپیوتر رو به بقیه است و قابل کنترل. یه مدتی براشون ساعت تعیین کردم که تا این ساعت مجاز به استفاده از اینترنت هستید؛ مثلاً ۱۰ تا ۳۰:۱۰ شب مجازید. بعد از اون باید خاموش باشه (پدر، ۴۷ ساله).

مادری در رابطه با شناخت دوستان فرزند و نظارت بر ارتباط

فرزند با دوستان و همسالان بیان داشت:

...من اسم دوست شون رو از خودشون می‌پرسم و گاهی هم اگر لازم باشه، می‌رم مدرسه و یک تحقیقی راجع به اون فرد انجام می‌دم (مادر، ۴۵ ساله).

مشارکت‌کننده دیگری در این باره عنوان کرد:

تا زمانی که دوستاشون رو معرفی نکنن، نمی‌ذارم ارتباط برقرار کنن. چون اوایل که بر عهده خودشون بود، می‌گفتن مامان فلان دوستم خوب نیست، چی کار کنم؟ و اکثر دوستان و خانواده‌هاشون رو می‌شناسیم و مورد تأیید ما بودن (مادر، ۴۵ ساله).

مشارکت‌کننده دیگری عنوان کرد:

جدا از درس، من سعی کردم تو خونه حواسم بهشون باشه. حتی بیرون رفتنشون خیلی دقت کردم، کجا میرن؟ کی میان؟ چه کاری می‌کنن؟ این کارو نکردم که بگم دنبالشون رفتم؛ نه. همیشه از خودشون پرسیدم، حس کردم که برای من راستشو میگن، یعنی باورشون کردم. این باور کرد نشان خیلی مهمه (مادر، ۴۴ ساله).

۱۰. مراقبت‌کننده و رشد‌دهنده بودن: زیرمقوله‌های مراقبت

و رشد مذهبی، اجتماعی، شخصی، اخلاقی، تحصیلی و تقویت حس خوداتکایی فرزند از جمله زیرمقوله‌هایی بودند که مشارکت‌کنندگان در طی مصاحبه‌ها به آن‌ها اشاره کرده‌اند و در مقوله نقش مراقبت‌کننده و رشد‌دهنده بودن والدین قرار گرفتند.

مشارکت‌کننده‌ای در این باره بیان داشت:

... در بحث نماز میگم یه مدت اینو شما با تأخیر انجام دادی. سعی کردم برات توضیح بدم که نماز اول وقت برات چه فایده‌ای داره، اصلاً تماز چه فایده‌ای داره، چه کمکی به آدم می‌کنه، یا من خودم در زندگی از نماز چه کمک‌هایی گرفتم. جاهایی که به مشکل برخوردم، به نماز رو آوردم. برات توضیح دادم. موقع امتحانات دعا کن که خدا توفیق بده خوب درس بخونی، چون دانش رو خدا به هر کسی نمی‌ده. از خدا بخواه که به شما بده و انرژی تو سعی کن تو این راه صرف

می‌گم، ۹۹ درصد شرو خودم عمل کردم، به خاطر می‌دونم این کار در مخاطب تأثیر داره؛ اصلاً حدیث هم هست از پیامبر اکرم (ص) که می‌فرمایند: «اگر خود گوینده از سخنش عملی نداشته باشد آن سخن در دیگران تأثیر ندارد». در اموراتی مثل مسجد یه موقع‌هایی با هم می‌ریم مخصوصاً در ماه رمضان که هر موقع من رفتم مخصوصاً پسر کوچک با من اومد» (پدر، ۳۸ ساله).

بحث

پژوهش حاضر به شیوه کیفی، از نوع داده‌بنیاد و با هدف شناسایی شاخص‌های والدگری موفق دوره نوجوانی در خانواده‌های ایران انجام شد. نتایج حاصل از ۱۳ مصاحبه عمیق با والدین، منجر به شناسایی ۱۱ شاخص والدگری موفق گردید. شاخص‌های استخراج شده عبارت‌اند از: قدردانی، دلگرم کردن، صمیمیت، ارتباط مثبت، هدایت، مسئولیت، عدالت، نظارت، کنترل، مراقبت‌کننده و رشد دهنده بودن و الگو بودن.

مروری بر مقوله‌های و زیرمقوله‌های استخراج‌شده در مطالعه حاضر و مقایسه آن با رویکردها و الگوهای موجود که از طرف پژوهشگران و نظریه‌پردازان غیرایرانی و در فرهنگ‌های متفاوت از فرهنگ ایران، بدست آمده است، سه موضوع را برجسته می‌کند. اول اینکه مقوله‌های به‌دست آمده تا حد بسیار زیادی همه الگوهای قبلی در زمینه والدگری شامل الگوهای: ۱- پاسخ‌دهی و عدم پاسخ‌دهی، ۲- دموکرات یا مستبد، ۳- درگیری و عدم درگیری عاطفی، ۴- آزادی یا کنترل، ۵- پذیرش یا طرد، ۶- تسلط یا تسلیم، ۷- سخت‌گیری یا سهل‌گیری، ۸- مراقبت و همدلی در مقابل طرد و بی‌تفاوتی، ۹- پذیرش یا طرد، ۱۰- پاسخ‌دهی یا تقاضا شامل چهار سبک مقتدر، مستبد، آسانگیر و مسامحه‌کار، ۱۱- والدگری مثبت یا منفی و همچنین ابعاد والدگری شامل ۱- کیفیت رابطه والد- فرزند، ۲- مشارکت والدینی، ۳- کنترل والدینی، ۴- نظارت والدینی، ۵- پذیرش یا طرد والدینی، ۶- انتظارات و آرزوهای والدینی و ۷- مدیریت نحوه گذراندن فعالیت‌های فوق‌برنامه (۷) را در بر می‌گیرد.

موضوع دوم اینکه مقوله‌های و زیرمقوله‌های استخراج‌شده در پژوهش حاضر، نقش‌های والدگری جدیدی که در رویکردها،

الگوها و پژوهش‌های قبلی به آن‌ها اشاره و توجهی نشده بود، مورد شناسایی قرار گرفت. از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی از قبیل «دلگرم کردن» (اهمیت دادن به علایق فرزند، اهمیت دادن به نیازها، اهمیت دادن به مشکلات، همراهی با فرزند، اهمیت دادن به استقلال‌طلبی و اعتماد)، «ارتباط مثبت» (ارتباط همسطح، ارتباط باز، صحبت با ملایمت و نرمی و تعامل سازنده با بلوغ)، «هدایت» (بالا بردن وسعت دید فرزند، بالا بردن قدرت تشخیص فرزند، سوق دادن فرزند به فعالیت‌های مثبت و سازنده و داشتن موضع ارشادی در قبال ارتباط فرزند با دوستان و همسالان)، مسئولیت (انتظار آفرینی برای فرزند و آشنا کردن فرزند با فضای کسب و کار)، اشاره کرد.

موضوع سوم اینکه مقوله‌های و زیرمقوله‌های استخراج‌شده در پژوهش حاضر نقش‌های والدگری جدیدی که مبتنی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی است را مشخص کرده است؛ که از آن جمله می‌توان به مواردی از قبیل الگودهی دینی، تأکید بر احترام به پدر و مادر و تأکید بر احترام بر بزرگ‌ترها اشاره کرد.

به طور کلی، نتایج پژوهش حاضر علاوه بر اینکه الگوها و نقش‌های والدگری که در پژوهش‌های قبلی مشخص شده بود را در بر می‌گیرد، نقش‌های و الگوهای جدید مبتنی بر بافت فرهنگی - اجتماعی ایران ارائه داده است. بر اساس یافته‌های به‌دست آمده می‌توان به دو دسته پیامد عملی و نظری در پژوهش حاضر اشاره کرد. در سطح نظری، هدف شناسایی شاخص‌های والدگری موفق مبتنی بر بافت فرهنگی - اجتماعی ایران با استفاده از رهیافت کیفی و روش داده‌بنیاد، هنوز مورد توجه پژوهشگران داخلی قرار نگرفته است؛ به همین دلیل انجام این پژوهش می‌تواند به‌عنوان شروع، توجه پژوهشگران داخلی را به موضوع جلب نماید، از این رو پژوهش حاضر می‌تواند شروعی برای انجام پژوهش‌های بعدی باشد.

نکته دیگر اینکه پژوهشگران حوزه خانواده می‌توانند شاخص‌های استخراج‌شده از مطالعه حاضر را به شیوه‌های کمی در ارتباط با سایر متغیرهای مؤثر بر والدگری و نوجوانی سالم

که نتایج پژوهش حاضر در برنامه‌های آموزشی و مداخلات بالینی برای بهبود روابط والد-فرزند به شیوه فردی، زوجی و گروهی بکار گرفته شود. انجام پژوهش‌های در نمونه‌هایی در سایر جمعیت‌ها پیشنهاد می‌گردد.

سپاسگزاری

از دانش‌آموزان و والدینی که در این پژوهش شرکت کردند و با همکاری صمیمانه آنها اجرای پژوهش امکان پذیر گردید، تشکر و قدردانی می‌گردد.

References:

1. Kagitcibasi C. Family, self, and human development across cultures: Theory and applications: Routledge; 2013. [View Link](#)
2. Baltes PB, Schaie KW. Life-span developmental psychology: Personality and socialization: Elsevier; 2013. [View Link](#)
3. HOLMILA M. Helping Adolescents At Risk. Prevention of Multiple Problem Behaviors. *Addiction*. 2005;100(3):417-426. [ABSTRACT](#)
4. VafaiNajar A, Masihabadi M, Moshki M, Ebrahimipour H, Tehrani H, Esmaeli H, Dogonchi M. Determining the theory of planned behaviors predictive power on adolescents dependence on computer games. *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*. 2015;2(4): 303-311. [ABSTRACT/FREE Full Text](#)
5. McGraw P. Family first: Your step-by-step plan for creating a phenomenal family: Simon and Schuster; 2005. [View Link](#)
6. Desjardins J, Zelenski JM, Coplan RJ. An investigation of maternal personality, parenting styles, and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*. 2008;44(3):587-97. [ABSTRACT](#)
7. Spera C. A review of the relationship among parenting practices, parenting styles, and adolescent school achievement. *Educational Psychology Review*. 2005;17(2):125-46. [ABSTRACT/FREE Full Text](#)
8. Özdemir Y, Vazsonyi AT, Çok F. Parenting processes and aggression: The role of self-control among Turkish adolescents. *Journal of adolescence*. 2013;36(1):65-77. [ABSTRACT](#)
9. Crnic K, Low C. Everyday stresses and parenting. *Handbook of Parenting Volume 5 Practical Issues in Parenting*. 2002:242. [View Link](#)
10. Duncan PM, Garcia AC, Frankowski BL, Carey PA, Kallock EA, Dixon RD, et al. Inspiring healthy adolescent choices: a rationale for and guide to strength promotion in primary

مورد مطالعه قرار دهند. در سطح عملی نیز از نتایج پژوهش حاضر می‌توان در آموزش خانواده‌های دارای فرزند نوجوان به‌منظور اصلاح، بهبود و ارتقای روش‌های والدگری مؤثر بهره گرفت و هر یک از زیرمقوله‌های استخراج شده می‌تواند به‌عنوان سرفصل‌های آموزش در جلسات آموزش خانواده مورد استفاده قرار بگیرد. از آنجایی که شاخص‌های شناسایی‌شده در مطالعه حاضر مبتنی بر بافت فرهنگی-اجتماعی کشور ایران است، مشاوران خانواده می‌توانند با توجه به شاخص‌های شناسایی‌شده در مطالعه حاضر برای والدگری مؤثر، نسبت به تدوین محتوای آموزشی برای آموزش والدین و خانواده‌ها اقدام نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود

care. *Journal of adolescent health*. 2007;41(6):525-35. [ABSTRACT](#)

11. Anthony LG, Anthony BJ, Glanville DN, Naiman DQ, Waanders C, Shaffer S. The relationships between parenting stress, parenting behaviour and preschoolers' social competence and behaviour problems in the classroom. *Infant and Child Development*. 2005;14(2):133-54. [ABSTRACT](#)
12. Johnson RB, Onwuegbuzie AJ. Mixed methods research: A research paradigm whose time has come. *Educational researcher*. 2004;33(7):14-26. [ABSTRACT/FREE Full Text](#)
13. Gall, M. D., Borg, W. R., and Gall, J. P. *Educational Research: An Introduction* (6th ed.). New York: Longman. 2009. [View Link](#)
14. Ryff CD, Singer BH. Best news yet on the six-factor model of well-being. *Social Science Research*. 2006;35(4):1103-19. [ABSTRACT/FREE Full Text](#)
15. Huebner ES. Preliminary development and validation of a multidimensional life satisfaction scale for children. *Psychological assessment*. 1994;6(2):149-158. [ABSTRACT](#)
16. Kendall PC. *Child and adolescent therapy: Cognitive-behavioral procedures*: Guilford Press; 2011. [View Link](#)
17. Wuetherick B. *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. *Canadian Journal of University Continuing Education*. 2010;36(2). 1-3. [ABSTRACT/FREE Full Text](#)